

در نیمه راه!

سقوط حسنی مبارک گام اول پیروزی انقلاب مصر به طرف آزادی، برابری و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خویش است. هنوز دستگاه های بوروکراسی، پلیسی و نظامی ای که دیکتاتور مصر با تکیه بر آنها ۳۰ سال نظام مخوف سرکوب و استثمار و فقر را به طبقه کارگر و کارکنان و شهروندان جامعه تحمیل کرده بود، سر پا است. دیوارهای این نظام ترک بر داشته اما فرو نریخته است. این وظیفه بلافصل تداوم انقلاب در مصر و تونس هم هست. طبقه کارگر و انقلابیون نباید اجازه دهند ارتش، انقلاب را ترمز کند تا بخش دیگری از بورژوازی قدرت را در دست گرفته و استثمار و استبداد را بازسازی کند.

طبقه کارگر مصر در این روزها با پشت سر نهادن یک دیکتاتوری و خفقان، فرصت تاریخی ای را برای سازماندهی نهادهای قدرت خود، شوراهای کارگری و محلات و دخالت از پایین برای دست بردن به قدرت سیاسی و اداره جامعه، در اختیار دارد. کارگران کمونیست و سوسیالیست و انسان های آزادیخواهی که با نظام بردگی مزدی و تبعیض و نابرابری مخالفند، در راس این تحول تاریخی - طبقاتی در یکی از کشورهای بزرگ منطقه قرار گرفته اند.

طبقه کارگر مصر در این روزهای انقلابی فقط خواهان افزایش دستمزد و یا این و آن مطالبه صنفی نیست. اگر یک سر لحاف قدرت دست طبقه کارگر نباشد، از افزایش دستمزد و رفاهیات و آزادی تشکل و اعتصاب خبری نیست و یا بسیار ناچیز خواهد بود.

طبقه کارگر ایران در انقلاب ۵۷ و در چنین برهه ای ناکام ماند. این تجربه برای طبقه کارگر و انقلابیون مصر هنوز زنده و آموزنده است.

سقوط حسنی مبارک یک پیروزی بزرگ نه تنها برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه مصر، بلکه پیروزی بشریت علیه توحش و دیکتاتوری



مبارک رفت!

زنده باد انقلاب

(اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست) ص ۳



بورژوازی کرد، کمونیسم ملی و مبارزه طبقاتی در کردستان

سلام زیچی

۱- بورژوازی کرد



بورژوازی کرد در کردستان ایران دستخوش تحولات زیادی شده است. شروع این پروسه با قدرت گیری بورژوازی و ناسیونالیسم کرد در عراق شروع میشود، با به میدان آمدن دوم خرداد دیوار بورژوازی کرد داخل کشوری و متولد شده با جمهوری اسلامی با احزاب قومی در اپوزیسیون شروع به فروریزی میکند و سر انجام در سال گذشته با عروج جنبش سبز موسوی و کروی بی بیش از هر دوره ای نزدیکی و اتحاد سیاسی و افق مشترک بین آنها ایجاد میگردد. سنگ بنای اصلی این نزدیکی قیل از هر چیز ادغام و شریک شدن هر چه بیشتر منافع اقتصادی بورژوازی حاکم و اپوزیسیون کرد است.



گفتگو با آزاد زمانی:

مبارزه کارگران خباز سنندج به کجا رسید؟



اکتبر: در هفته های اخیر مبارزه سندیکای کارگران خباز سنندج را شاهد بودیم. تظاهرات، تحصن، مذاکره و مطالبه افزایش دستمزد بر اساس گرانی نان و تورم. این مبارزه به کجا کشید؟ نمایندگان کارگران در مذاکره با دولت و کارفرما به توافقاتی رسیدند یا نه؟

آزاد زمانی: حقوق و دستمزدی که کارگران خباز شهر سنندج و حومه قبل از اجرای سیاست حذف یارانه ها به کارفرما تحمیل کرده بودند با اجرای این سیاست از طریق کارفرمایان خباز و فرمانداری سنندج مورد تجدید نظر قرار گرفت. آنها میخواستند که دستمزد های کنونی را به سطحی کمتر کاهش دهند.

ص ۴

کار و زندگی کارگران مهاجر در دماوند

مختار محمدی

ص ۵

وضعیت اشتغال و بیکاری در شهرستان مهاباد

رضا دانش

ص ۶





ثروت اندوزی و شراکت در اقتصاد کلان سراسری و محلی که در پروسه همراهی در طول عمر جمهوری اسلامی از جانب بخش بزرگی از بورژوازی کرد بدست آمده است و ثروت اندوزی که در سایه حکومت برایشان فراهم شده است، اساس این تحولات را شکل می دهد. این تحول مابه ازاء سیاسی و اجتماعی به همراه داشته است که مهمترین آن همنا شدن بیشتر احزاب و بورژوازی کرد با جمهوری اسلامی یا بخشی از بورژوازی ایران است.

در بیست سال اخیر نیز در عراق که بورژوازی کرد نه تنها کسب قدرت سیاسی، بلکه به یکی از بزرگترین صاحبان قدرت اقتصادی تبدیل شده است. این ثروت اندوزی به بازار بزرگ دادوستد بورژوازی کردستان ایران و عراق نیز تبدیل شده است. و این کل دستجات مختلف بورژوازی کرد را به هم نزدیک و وابسته تر کرده است. همراهی کردن بدون چون چرای بورژوازی کرد در داخل ایران و در اپوزسیون با پروژهای "سیاسی" بخش داخل کشوری جنبش کردایتی- پرو رژیم و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از آن از جانب احزاب و دستجات بورژوا- قومی در اپوزسیون مسلح و سنتی که با پدیده ارتجاعی موسوی و داستان انتخابات و غیره به بارزترین شکل ممکن خود را نشان داد، همه دال بر کوتاه تر شدن دیوار نفاقی بود که بورژوازی کرد و احزابش اساسا به دلیل بی بهره شدن از شراکت در چنین پروسه و موقعیتی به اپوزسیون دولت مرکزی رانده شده بودند. یعنی سهم شدن در اقتصاد و ساختار دولتی.

این افق و امکان امروز برای بورژوازی کرد، نه بطور کامل، اما بیش از هر زمانی بیشتر باز شده است و به همین دلیل بخشهای مختلف بورژوازی کرد و رهبران آن با سران و جناحهای از خود پیکره جمهوری اسلامی احساس نزدیکی میکنند و افرادی چون خالد عزیزی و عبدالله مهدی و سازمان هایشان حاضر هستند، اگر پذیرفته شوند، به رژیم و یا حداقل رسماً به جناح سبز داخل کشوری بورژوازی کرد ملحق شوند و مسیر

برادران خود در جبهه متحد کرد و کردهای مقیم مرکز و نمایندگان کرد در مجلس اسلامی و پیشمرگان سابق مسلمان را طی و دنبال کنند. بدین ترتیب ناسیونالیسم و بورژوازی کرد در عین حال که در کلیت خود به عنوان یک طبقه بورژوا از همبستگی و قدرت بیشتر اقتصادی، مدیانی و سازمانی و دولتی برخوردار شده است، اما همزمان از نظر خصلت مبارزاتی و ادعای تا کنونی مبنی بر مبارزه با جمهوری اسلامی و دفاع از حق "ملت کرد" بیش از هر دوره ای بی مایه تر شده است. چنانچه این حقایق به آگاهی جامعه تبدیل گردد آن احزاب و جنبش بیش از هر زمانی بی ربط تر به کل روند مبارزات و مطالبات عمومی در کردستان خواهند شد.

۲- کمونیسم ملی و خلقی در کردستان

چپ خلقی و اغشته به ناسیونالیسم در کردستان، با جدائی گرایش کمونیسم کارگری از کومه له و حزب کمونیست قدیم، که کمونیسم و کارگر را در این چپ نمایندگی می کرد، با تحولات جدی و بنیادی روبرو گردید. کومه له و حزب کمونیستی که ما دو دهه پیش از آن جدا شدیم نه تنها هیچ گوشه ای از سیاست و اهداف تا آن زمان "مشترک" را بعداز ما دنبال نکرد بلکه به سرعت به عنوان "چپ ملی" به بستر اصلی جنبش عمومی کردایتی بورژوازی پیوست، اساس سیاست و ضدیت و فعالیت خود را علیه ما کمونیستها و سازندگان تاریخ جنبش کمونیستی و کومه له کمونیست سابق در کردستان و ایران تعریف کرد و این را مبنای رابطه، همدلی و معاملات خود با بورژوازی تازه به قدرت رسیده در کردستان عراق و تحولات سیاسی ایران قرار داد.

با این سیاستهای جدید بدون "دست و پاگیر کمونیستی"، کمپین ضد کمونیستی و دروغ و تخریب از طریق میدیا و امکانات بجا مانده از خود ما علیه ما و در خطاب به جامعه پروپاگاندا کردند. این رویداد و کمپین علیه کمونیستهای آن جامعه عوارض منفی زیادی بر کل جنبش چپ و کارگری در کردستان گذاشت و به تقویت ناسیونالیسم کرد و جنبش ضد کارگری و کمونیستی انجامید. به اسم کومه له علیه

سازندگان کومه له کمونیست جعل و شانتاژ کردند و راه را برای ناسیونالیسم درون خود هموار کردند. به این ترتیب از هر طرف کمونیسم و طبقه کارگر در کردستان تحت فشار قرار گرفت.

از طرف دیگر تحولات بورژوازی کرد، آنطوریکه در بالا اشاره شد، به ویژه بعد از به قدرت رسیدن بورژوازی کرد در کردستان عراق و همچنین تحولات داخل ایران مانند دوم خرداد توانست آن کومه له جدید باقی مانده و فاقد خط و سیاست کمونیستی کارگری بعد از ما را در خود هضم کند. طوری که در نتیجه این سیاستها که با بنیان سیاستهای "مشترک" و کومه له کمونیست قدیم در تناقض قرار گرفت، کومه له بعداز ما را به پنج تا شش کومه له جدید و منشعب شده از هم تبدیل کرده است. بعداز جدای کمونیسم کارگری هر انشعابی که در کومه له صورت گرفت از موضع راست تر از خود کومه له بعداز ما مسیر جدائی را در پیش گرفتند که بیشتر آنها در سمت راست فاشیسم کرد و یا در کنار دلایان سیاسی و شاخه های از خود جمهوری اسلامی قرار گرفته اند.

این تحولات به نفع جنبش ارتجاعی قومی و به ضرر جبهه کمونیستی و کارگری تمام گردید. عوارض سیاست و عملکرد کومه له جدید، که در زمان خود به عنوان کومه له کمونیست و چپ و حامی کارگر و ضد ناسیونالیسم و بورژوازی کرد شناخته میشد بر سر جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان فروریخت و فعالیت کمونیستی و پیشروی و اتحاد و خود آگاهی طبقه ما را با مشکلات روبرو کرد. حجم تبلیغات دروغین و تصویر سازیهای بیشرمانه ای که آنها بر علیه طیف وسیعی از سازندگان تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری کردستان در رسانه های رسمی و محافل شروع و سازمان دادند، و همچنان بر آن ادامه میدهند، چنان وسیع و شنیع بود که تنها میتوان با تبلیغات دروغین بورژوازی پسا جنگ سردی مقایسه کرد.

برای کم کردن این عوارض، بخشی از تلاش ما و رهبران کارگری و کمونیستهای جامعه کردستان این بوده و هست نشان بدهیم که هیچکدام از شاخه های مختلف کومه له کنونی ربطی به کومه



⇒ کل نظام سرمایه داری جهانی است. این تازه آغاز کار است. پیروزی های بزرگ تری می تواند در راه باشد. این را تنها یک طبقه کارگر آگاه و رهبران کارگری کمونیست و سوسیالیست و مردم انقلابی و آزادیخواه می توانند تضمین کنند. انقلابیون مصر تنها به رفتن حسن مبارک رضایت نخواهند داد. حکومت نظامیان باید لغو گردد. نمایندگان شوراها واتحادیه های کارگری و مردمی و انقلابیون مصر باید زمام امور را به دست بگیرند. باید دید که شعار سقوط نظام جایش را به شعار تمام قدرت به نمایندگان کارگران و مردم آزادیخواه و انقلابیون مصر، خواهد داد؟ حامیان انقلاب مصر، جمهوری اسلامی، اوپاماها و دمکراسی خواهان غربی حافظ نظام سرمایه داری بازار آزاد نیستند. حامیان واقعی انقلاب مصر طبقه کارگر جهانی و همه انسان های آزادیخواه و برابری طلب جهان اند.

زنده باد انقلاب! آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست:

مبارک رفت! زنده باد انقلاب

حسنى مبارک سمبل يکى از مستبد ترين، فاسدترين و ضد مردمى ترين حکومتها در خاورميانه و کشورهای عربى، مجبور به کناره گيرى شد. اراده انقلابى طبقه کارگر و مردم تحت ستم مصر اين تحول انقلابى تاريخى را به فرجام رساند. شورو شعف زابداالوصفى ميدان آزادى، اين قلب انقلاب توده اى مردم و سراسر مصر و خاورميانه و شمال آفريقا را و در ابعاد وسيع جهانى کل انسان تشنه آزادى ورهائى را فراگرفته است. مردم و طبقه کارگر ايران و کمونيستها و حزب حکمتيست در اين پيروزى بزرگ و شادى کارگران و مردم مصر عميقا سهيم اند و آن را تبريک ميگويند. از همان سه هفته پيش و با شروع خروج نارضايتى مردم مصر روز شمار معکوس حکومت مبارک آغاز شده بود. در طول اينمدت به سرعت برق، بکى پس از ديگرى سناريوهای حفظ حکومت پوشالى از آب درآمد. در اين فاصله معلوم شد که عليرغم تهديدها، سرکوب، فريبها، بازيهاى ديپلماتيک و وعده ها، اعتراض مردم زحمتکش کماکان عليه حاکمين مصر ادامه خواهد داشت. آنچه در رسانه ها بعنوان

"سناريوى کناره گيرى مبارک" ناميده ميشود، تنها و تنها حاصل فشار اعتراضات و نارضايتى گسترده در ميان مردم زحمتکش است. ورود طبقه کارگر و شروع اعتصابات کارگرى چاره اى بجز فرار حسنى مبارک را باقى نگذاشت. حسنى مبارک سمبل يکى از قدرتهاى دنياى سياسى - ديپلماتيک منطقه خاورميانه و کشورهای عربى و شمال آفريقا بود. حکومت او لنگر اصلى سياست امريکا و از تکیه گاههای اصلی حکومت سرمايه در کل منطقه بود. استبداد و سرکوب تمام عيار، يك طبقه کارگر ارزان و بى حقوق نقطه حرکت حکومت و اقتدار ظاهرا افسانه اى آنرا تشکيل ميداد. امروز اين غول سياسى به زانو درآمده است و خيزش مردم انقلابى، نه فقط شخص مبارک بلکه تمام شالوده و استخوان بندى اين حکومت را به لرزه در آورده است. امروز ديگر، ارتش، دولت، ارگانهای قدرت اين حکومت کاسه گدايى در دست گرفته و به اميد کسب مشروعيت از مردم معترض شب را به روز ميرسانند. از همين فردا شاهد خواهيم بود که صف سربازان و رده های پايين ارتش ترک خواهد خورد، سربازانى که بخش عمده آنان فرزندان کارگران و مردم ستمديده و انقلابى اند، نمیتوانند از انقلاب مصر به

شعف نيابند، و پايه اين بازوى استبداد را از درون متزلزل نکنند. تا همينجا مردم مصر کارگران و مردم سراسر دنيا را با شکوه قدرت اعتراض برحق خود به شعف آورده اند. اين مردم با دستان خود و با نيروى اتحاد و اعتراض خود، آزادى و حق برخوردارى از نان و رفاه را در مقابل يکى از ديکتاتورترين حکومتهاى عصر معاصر و عزيزکرده دول غربى را به کرسى نشانديدند. اين تازه آغاز راه است. با رفتن مبارک و دولتش دوره اى انقلابى و پر طيش در مصر شروع شده است. طبقه کارگر مصر پا به عرصه کشمکشهاى بزرگ نهاده و مسير پريچ و خمى را پيشروى دارد. تا همينجا و با فرار حسنى مبارک گشائش جدى و فرصت تعيين کننده براى ايفائى نقش تاريخى طبقه کارگر و کمونيسم در راه رهائى قطعى از ستم و تبعيض فراهم شده است. ما به اين فرصت به وجود آمده و آينده رها از استعمار و سرکوب و تحقق آزادى و برابرى براى طبقه کارگر و مردم مصر خوش بينيم. رسالت طبقه کارگر و کمونيستها و آزاديخواهان در دنيا حمايت از طبقه کارگر مصر است. طبقه کارگر ايران و حزب حکمتيست اين روند را تقويت کرده و در کنار کارگران و کمونيستهاى مصر خواهند بود.



۳- مبارزه طبقاتى و عروج جنبش کمونيستى

جامعه کردستان از نظرتسلط مناسبات سرمايه دارى و گسترش و تعميق تضاد طبقاتى که کارگر و سرمايه دار را به عنوان دو طبقه متخاصم بطور آشکار در مقابل هم قرار داده است، جز تفکيک ناپذيرى از کل مناسبات حاکم بر جامعه سرمايه دارى ايران است. طى چهار دهه اخير مناسبات سرمايه دارى در کردستان بيش از پيش رشد کرده است و پا به پاى آن مبارزه طبقه کارگر وارد دوره جديدى از کشمکش طبقاتى شده و از نظر کمى نيز به سرعت رشد کرده است. با وجود نبود کارخانجات بزرگ در کردستان، اين طبقه در هزارها کارگاه و مراکز کار کوچک و متوسط و مشاغل متعدد در کردستان مشغول به کار هستند و همانند کل طبقه کارگر ايران با فقر و پس گرفتن دستمزد معوقه و فروش نيروى کار ارزان و نبود تشکل و حق اعتراض و اعتصاب دست و پنجه نرم ميکنند و مورد سرکوب شديد جمهورى اسلامى و استعمار وحشيانه دولت و سرمايه داران کرد قرار دارند. هزاران کارگر فصلى و مهاجر نيز به ويژه در بخش ساختمان و برق و کوره

پزخانه در شهرهاى زيادى در ايران و در برخى از کشورهای همجوار متفرق شده و براى تامين امرار معاش نيروى کار خود را مي فروشند. بخشى از اين کارگران و زحمتکشان در نوار مرزى سرگرم کار هستند که تنها در يکسال گذشته بيش صد نفر از آنها بدست مزدوران جمهورى اسلامى کشته شده اند.

زوال فرهنگ و سنن و مناسبات عقب افتاده و ما قبل سرمايه دارى يک داده واقعى امروز جامعه کردستان است که بورژوازى و ناسيوناليسم کرد همواره بر باز توليد آن سرمايه گزارى ميکنند. تمايزات سياسى کنونى به حکم مناسبات حاکم و شکاف طبقاتى ميان کارگران و سرمايه داران بيش از هر زمانى تعميق يافته است. پا به پاى تعميق شکاف طبقاتى و گسترش مناسبات سرمايه دارى احساس همبستگى و همسرنوشتى سياسى و طبقاتى هم بورژوازى کرد با بورژوازى و حاکميت در ايران و هم کارگران در کردستان با کل طبقه کارگر ايران، در دوره کنونى بيش از هر دوره اى خصلت طبقاتى تر و مستحکم ترى به خود گرفته است.

ادامه در ص ۷

مبارزه کارگران خباز سندج به کجا رسید؟

آزاد زمانی

تنها ادعایی که کارفرما داشت این بود که دولت کمک های یارانه ای را به کارفرما پرداخت نمی کند قیمت آرد آزاد شده است و قیمت نان گران میشود و مشتری هایشان قدرت خرید نان ندارند. کارفرمایان خباز تلاش کردند به کارگران تحمیل کنند که تعیین سقف دستمزدهای قبلی به کارگران به خاطر دریافت یارانه ها از دولت بوده است و با حذف یارانه ها قادر به پرداخت این دستمزد نیستند. فروش نان نانوائی ها برای کارفرما سود آوری بیشتری ندارد و در نتیجه میخواهند دستمزدها را کاهش دهند.

ابتدا کارفرمایان در محل کار خود حقوق برخی کارگران را کاهش دادند. کارگران خباز به کاهش دستمزدها اعتراض کردند. کارفرما به اهرم های دولتی و قانونی متوسل شد. با استانداری و فرمانداری به توافق رسیدند که بدون اینکه صدایش در بیاید با کارگران کارگاههای خود مصالحه کنند و دولت دست کارفرما را برای این امر باز نگه میدارد.

حربه کارفرمایان و دولت با اعتراض جمعی کارگران خباز مواجه شد. اعتراضات کارگری در انجمن صنفی کارگران خباز (سندیکای کارگران خباز سندج و حومه) مطرح شد. کارفرما تلاش کرد با کمک نهادهای دولتی یک چهارم از دستمزدها را کاهش دهد. کارگران بلافاصله در محل سندیکا کارگران خباز خیابان کردستان جنوبی تجمع کردند. نیروهای انتظامی دخالت کردند. تهدید کردند ولی کارگران دست از اعتراض نکشیدند. کارگران معترض نماینده تعیین کردند. نماینده گان لایحه های اعتراضی خود را به مقامات دولتی دادند. با استانداری، فرمانداری و اداره کار و انجمن صنفی کارفرمایان خباز مذاکره کردند. کارفرما و نهادهای دولتی با متوسل به زور و تهدید کارگران خواستند مانع اعتراضات شوند، اما کارگران در چند روز متوالی در مقابل استانداری و مسجد جامع راهپیمایی و تجمع کردند. سرانجام کارفرمایان و نهادهای دولتی مجبور شدند دستمزد و حقوق کارگران را مطابق با جدول قبلی که مورد مناقشه کارگران و کارفرمایان بود بپذیرند. کارگران در این اعتراضات موفق شدند و از کاهش دستمزدها مطابق با تمایل کارفرما ممانعت کردند.

اکتبر: جمهوری اسلامی به تدریج سیاست

حذف یارانه ها را اجرا می کند. متعاقباً گرانی و تورم آغاز شده است. گرانی نیازمندی های ضروری از جمله گرانی نان، معیشت خانواده های کارگران را تحت فشار شدید قرار می دهد. آیا پول نقدی که به حساب مردم ریخته شده و یا یارانه مستقل نان، عاملی برای ساکت کردن کارگران و تحمل گرانی و تورم کم رنگ نیست؟

آزاد زمانی: حذف یارانه ها یک پروژه اقتصادی است که با بکارگیری سیاست های معینی به خورد جامعه داده می شود. دولت و دستگاه حاکمه نمی تواند مستقیم طرحش را اجرا کند چون با اعتراضات وسیع توده ای و برآمدهای اجتماعی مواجه میشود برای آرام کردن مردم برای هدایت کردن این طرح و به انجام رساندنش نیاز به سیاست های مدارا و تطمیع دارد. پرداخت های نقدی بخشی از این سیاست ها را تامین میکنند.

پول نقدی که دولت به حساب خانوارها ریخته است، همانند مسکنی موقتی بر درد گران خانوارهای فقیر و زحمتکش جامعه عمل می کند و بی تاثیر نبوده است. مردم کارگر و زحمتکش اولین بار است که بطور مستقیم پول نقدی یارانه ها به دستشان میرسد. چون این پول میتواند تامین کننده بخشی از نیازمندیهای آنها شود در حال حاضر شاید احساس خوشایندی از دریافت آن دارند. ولی به تدریج که هزینه های زندگی بالا میرود و تورم بالا میگیرد این احساس تبدیل به رنج و مشقت می شود. گرانی و ناتوانی برای تامین هزینه های ابتدایی زندگی مردم کارگر و زحمتکش را به فلاکت بیشتری می کشاند.

این روزها که یک خانواده کارگری پنج نفره مبلغی حدود چهارصد و پانزده هزار تومان را برای اولین بار از حساب یارانه ها دریافت کرده است، احساس میکنند این پرداخت های مستقیم بد نیست. بلکه خوب هم هست. خانواده ها فکر میکنند مادامیکه این پول در حسابشان باشد، مشکلات متعددی را که با آن دست و پنجه نرم میکنند مرتفع میکند.

چون هنوز دولت بر قیمت ها کنترل اعمال میکند. نرخ تورم را در سطحی معین نگه داشته است تا صدای مردم فقیر بلند نشود. این سیاست به تدریج کارایی ندارد دولت مجبور است در ادامه سیاست آزاد سازی اقتصاد و بازار، کنترل ها را

بردارد. آن وقت است که نرخ تورم کالاهای اساسی به شدت بالا میرود. هزینه های زندگی افزایش پیدا میکند. خانوارها با این پول های ناچیز قادر نخواهند شد که پول آب و برق و گاز و نان خویش را تامین کنند. دستمزدها هم کفاف نمی دهد. در آن شرایط عوارض اجتماعی و اقتصادی این سیاست عیان می شود. فقر و گرانی یقه خانواده های کارگری را میگیرد. دهک های فقیر تر جامعه در فلاکت فرو می روند.

در ابعاد ماکروتر، اجرای سیاست حذف یارانه ها در واقع اجرای بخشی از برنامه های طولانی مدت جمهوری اسلامی است که در قالب برنامه های پنج ساله و بیست و پنج ساله اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پیش گرفته است. این سیاست مکمل توسعه اقتصادی بر اساس نیازهای سرمایه داری ایران برای مطابقت با اقتصاد جهان سرمایه داریست. جمهوری اسلامی برای همسو شدن با اقتصاد بازار آزاد و دریافت کمک های بانک جهانی پول این سیاست را در دستور اجرا گذاشته است. سیاستی در ادامه سیاست خصوصی سازی است. سیاست خلاصی از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی است. سیاست حذف یارانه ها به منظور تقویت رقابت بین سلطانهایی بی تاج و تخت بازار آزاد در اقتصاد ایران عملی می شود. این سیاست در واقع کلید باز کردن دست سوداگران بازار برای سود آوری بیشتر و استثمار نیروی کار ارزان است.

پرداخت مبالغی نقد تحت عنوان یارانه ها به دهک های فقیرتر جامعه چیزی جز تزریق مسکن موضعی برآلام اجتماعی نیست که در نتیجه حذف یارانه های عمومی به مردم تحمیل میشود. این سیاست تنها برای ممانعت از شوک های اجتماعی است. برای مهار کردن اعتراضات از پایین جامعه است. برای پایین آوردن پتانسیل جنبش اجتماعی علیه فقر و گرسنگی است. مردم را با نان بخور و نمیر نگه داشتن است.

نه پرداخت یارانه ها نه مقدار دستمزدی که که کارگران دریافت میکنند کفاف زندگی آنها را نمی دهد. با این وجود دولت با اجرای سیاست حذف یارانه ها ی عمومی دست کارفرمایان را باز میکند که حقوق و دستمزد کارگران را پایین بیاورند. اجرای این سیاست نتایجی جز افزایش فاصله طبقاتی فاحش برای جامعه به ارمغان نمی آورد. طبقه کارگر راهی جز تلاش جمعی و مبارزه طبقاتی و متشکل در پیش علیه گرانی و تورم و سطح نازل دستمزدها ندارد.

کار و زندگی کارگران مهاجر در دماوند

مختار محمدی



مدیره را انتخاب می کند. از ابتکار جالب دیگر صندوق، انتخاب شورای

۵ نفره حل اختلاف است. این شورا به مسایل و مشکلات و اختلافات درون کارگران و خانواده های کارگری رسیدگی و کارگران را از پرداخت هزینه وکیل و دادگاه و غیره معاف می کند.

درخاتمه این نگاه کوتاه، اجازه می خواهم چند سوالی را با دوستان کارگر مهاجر در دماوند که خود زمانی مثل آنها به کار در آنجا مشغول بودم، مطرح کنم:

سوال اولم این است که اگر کارگران می توانند حول صندوق متحد و متشکل شوند و برای مدیریت آن مجمع عمومی اعضا برگزار می کنند، چرا برای ایجاد یک اتحاد و تشکل سراسری و پایدار مجمع عمومی کارگران برپا نمی گردد؟ چرا مجمع عمومی فقط برای صندوق؟

سوال دوم این است که حتی اگر تشکل ایجاد نمی شود، چرا حداقل سالانه و بهنگام شروع فصل کار و تعیین دستمزد، مجمع عمومی از همه کارگران فصلی و روزمزد و مهاجر و غیر مهاجر برگزار نمی شود تا هم سقف دستمزد سال جدید را با توجه به گرانی کالاهای مورد نیاز و تورم تعیین وهم نمایندگانی برای رسیدگی به آن و تا به کرسی نشاندنش انتخاب کنند. این کار باعث می شود که صاحب کاران چه فردی و چه شرکت ها نتوانند بیابند و در میدان های شهر کارگران نیازمند کار را بدون توجه به افزایش دستمزد به کار بکشاند و میانشان تفرقه درست کنند.

و بالاخره سوال سوم این است که شورای حل اختلاف چرا فقط برای رسیدگی به مشکلات میان کارگران و خانواده هایشان ایجاد می گردد؟ چرا این شورا برای حل اختلاف میان کارگران و کارفرماها و صاحب کاران هم نیست؟ مگر کم هستند صاحب کارانی که برای پرداخت دستمزدها بموقع، دبه در می آورند و یا سر اضافه کاری و یا ساعت کار و شدت کار و ایمنی محیط کار و ابزار کار و غیره با کارگران در می افتند؟ شورای کارگری حل اختلاف در حالی که هنوز تشکل سراسری کارگران مانند سندیکا یا و تشکلی کارگری علیه بیکاری نیست، ابزار خوبی برای دفاع از کارگران در مقابل بی حقوقی های محضی است که به کارگران تحمیل می شود.

سرانجام برای همه کارگران و دوستان در دماوند، اعم از بلوچ و افغان و لر و کرد و دماوندی و غیر دماوندی، آرزوی وحدت و دوستی و همبستگی کارگری و موفقیت در مبارزه طبقاتی شان را دارم.

باشند پس اندازی بکنند، از آن استفاده کرده و بخور و نمیری خواهند داشت. کارگران بعضا ناچار به اضافه کاری می شوند تا بتوانند درآمد ناشی از کار روزانه را برای مخارج خانواده و بهنگام برگشتن و یا دوره بیکاری پس انداز کنند. کارگران هر سال و در آغاز فصل کار در مجامع بزرگ و کوچک و همراه خانواده هایشان تصمیم می گیرند که با توجه به گرانی و تورم دستمزدشان را افزایش دهند. صاحب کارها هم در مقابل این خواست مقاومت کرده و از هر ترفندی استفاده می کنند. از جمله از پراکندگی کارگران که هر چند نفری جایی کار و زندگی می کنند استفاده کرده و یا تلاش می کند میان کارگران کرد و لرو بلوچ و افغانی تفرقه ایجاد کند و بخشی از آن ها را با همان مزد سابق به سر کار بکشاند. با وجود این مبارز کارگران پیشرو برای متحد کردن همه کارگران صرف نظر از ملیت و مذهب و قومیت و غیره اگر چه مدتی به درازا می کشد، اما معمولا افزایش دستمزد سالانه را به کارفرماها تحمیل می کند.

این کار تنها با تلاش خستگی ناپذیر کارگران پیشرو و وول خوردن میان محافل و جمع های کارگران و قانع کردن شان امکان پذیر می گردد. اما متأسفانه این تلاش های هر ساله نتوانسته است به تشکل و اتحادی پایدار میان کارگران تبدیل شده و به کارگران در مقابل بی حقوقی توان و قدرتی ببخشد و هر سال روز از نو و روزی از نو نشود.

کارگران مهاجر به دلیل سیالیت و رفت و آمدهایشان تا کنون نتوانسته اند به تشکلی که بتواند آن ها را حول خود متحد کند دست یابند. بارها بحث ایجاد سندیکای کارگران مهاجر و یا تشکلی علیه بیکاری از کارگران شاغل و بیکار و بومی و غیربومی، مطرح شده ولی به نتیجه نرسیده است.

کارگران روابط خوبی با هم دارند و در شرایط سخت و نیاز به یاری هم می شتابند. در غم و شادی های همدیگر شریک اند. از جمله این همبستگی کارگری، ایجاد صندوقی است که توسط خود کارگران ایجاد شده است. صندوق صدها عضو دارد و هر کارگر عضو ماهانه مبلغی به این صندوق می پردازند و بهنگام نیاز ضروری از صندوق کمک بلاعوض می گیرند. گاهی به کارگرانی وام داده می شود که باید بازپرداخت شود. صندوق کارگران، ۶ ماه یک بار مجمع عمومی اش را برگزار می کند و هیات

شهر دماوند در شمال ایران، هر سال میزبان هزاران کارگر از شهرها و روستاهای کردستان، بروجرد، خرم آباد و... می باشد. هزاران کارگر برای امرار معاش در شرایط سخت اقتصادی، نیمی از سال را در دماوند می گذرانند. تعدادی خانواده هایشان را با خود به آنجا می برند. جمع زیادی سالها در آنجا ماندگار شده و سر پناهی با کمترین امکانات برای خود تهیه کرده اند و یا در خانه های اجاره ای مسکن گزیده اند. کارگران فصلی ای که خانواده هایشان را به همراه ندارند، در گروه های چند نفره، مشترکا جایی را برای خوابیدن و استراحت اجاره می کنند.

این کارگران از همان روز اول ورود به دماوند با مشکل مسکن روبرو می شوند و گاهی مجبور می شوند چندین نفر در یک اتاق کوچک زندگی کنند و بعضا ناچارند اجاره چندین ماه در غیاب خود را بپردازند تا هنگام بازگشت جایی برای ماندن داشته باشند. مردان در خانواده های مهاجر به کار روزانه مشغول می شوند و زنان در خانه می مانند و کارهای خانه را به عهده می گیرند.

پسر بچه های خردسال گاهی به همراه پدرانشان در سخت ترین شرایط به کار گرفته می شوند و دستمزد ناچیزی دریافت می کنند. سازماندهی زندگی جمعی برای کارگرانی که در جمع های مختلف با هم زندگی می کنند، یکی از کارهای اولیه است. از جمله، خرید مشترک، تعیین مسوول خرید و آشپز نوبتی ماهانه و یا هفتگی...

هم اکنون علاوه بر کارگرانی که در رفت و آمد هستند، بالغ بر ۳۵۰ خانوار کارگری در دماوند سکونت دارند.

کارگران در بخش های ساختمان سازی، کشاورزی و باغ داری، حمل و نقل و کار در مغازه ها و انبارهای کالا و بعضا شهرداری کار می کنند. کارگران ساعات کار طولانی دارند و شامل مزایای مندرج در قانون کار هم نمی شوند. از بیمه و مزایای دیگر خبری نیست. ناامنی محیط کار تا کنون جان ده ها کارگر را گرفته و یا دچار نقص عضو کرده است.

برای بخش زیادی از کارگران با وجود سال ها کار و سکونت در این شهر هیچگونه ایمنی شغلی وجود ندارد. کار امروز تا فردا با جمع شدن هر روز در میدان های شهر شروع می شود. از بیمه بیکاری هم خبری نیست.

کارگران مهاجر سالانه چند ماهی در فصل زمستان بیکار هستند و اگر توانسته

وضعیت اشتغال و بیکاری در شهرستان مهاباد

رضا دانش

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، شهرستان مهاباد دارای ۲۰۱۰۹۸ جمعیت بوده است که از این تعداد ۱۰۲۳۷۳ نفر مرد و ۹۸۷۲۵ نفر زن هستند. نرخ بیکاری در این شهر ۲۲/۱۱ درصد است. طبق سرشماری سال ۳۷۵ از کل شاغلان که ۳۸/۴۲ درصد جمعیت این شهرستان هستند ۳۹/۱۰ درصد در بخش صنعت ۸۳/۲۲ درصد در بخش کشاورزی و ۱۶/۹ درصد در بخش خدمات شاغل بوده اند. از کل شاغلان این شهرستان ۲۹/۷۲ درصد با سواد و ۷۱/۲۷ درصد بیسواد بوده اند.

وضعیت بخش کشاورزی در شهرستان مهاباد:

امور زراعی و باغی کارگران شاغل در این بخش کارگران فصلی هستند و بدلیل کثرت باغات میوه در سطح شهرستان عده کثیری را شامل میشود که در امور دام، طیور و زنبور عسل و شیلات کار می کنند. در امور شیلات حدود ۶۰ نفر صیاد مشغول بکار هستند.

وضعیت بخش صنعت در شهرستان مهاباد:

بر اساس سرشماری عمومی صنعت و معدن در سال ۱۳۷۳، تعداد کل کارگاههای صنعتی شهرستان ۵۴۵۴ واحد می باشد. از کل ۵۴۵۴ واحد کارگاه صنعتی در این شهرستان ۵۱۵۰ واحد کمتر از ۶ نفر کارگر، ۷۴ واحد ما بین ۹ - ۶ نفر کارگر، ۱۶۸ واحد ما بین ۴۹ - ۱۰ نفر کارگر و ۲۲ واحد بیشتر از ۵۰ نفر، ۲۸ واحد بیش از ۱۰۰ کارگر دارند.

۳۶ واحد مرغداری با ظرفیت چند میلیون قطعه در سال و تولید ۲۸۰ هزار تن محصولات کشاورزی از ظرفیت تولیدی شهرستان مهاباد می باشد.

شهرک صنعتی مهاباد:

این شهرک در کیلومتر ۱۸ جاده مهاباد - میاندوآب قرار دارد مساحت کل شهرک ۰۶/۵۵ هکتار، مساحت زمین صنعتی ۳۷ هکتار و تعداد قطعات تقسیم شده ۶ قطعه می باشد. تعداد واحدهای به بهره برداری رسیده در این شهرک، ۴۱ واحد و تعداد شاغلان در این شهرک ۷۵۱ نفر می باشند. همچنین شرکتهای مهم دیگری با

مشخصات زیر در خارج از شهرک صنعتی مهاباد موجود هستند:

شبیم لنت

تعداد کارکنان این شرکت ۳۰ (سی) نفر است. نوع مالکیت خصوصی.

شرکت صنایع ممتاز الکتریک (سهامی خاص) - تعداد کارگران: ۶۰ نفر

کشت و صنعت مهاباد

این شرکت قبل از انقلاب و با نام شرکتهای سهامی زارعی شاهپور احداث و بهره برداری از آن در سالهای آغازین انقلاب صورت گرفت. و بدلیل بدهی شرکت به بانک صادرات تحت پوش این بانک قرار گرفت. این شرکت بعدها به شرکت سرمایه گذاری الغدير و سپس به شرکت سرمایه گذاری سبز، یکی از شرکتهای زیر مجموعه الغدير واگذار شد. این شرکت هم اکنون به ۵ شرکت مجزا تبدیل شده است:

این شرکت هم اکنون دارای ۳ واحد مرغ گوشتی، ۱ واحد جوجه کشی، ۲ واحد مرغ مادر می باشد و ۳۰۰ نفر کارگر دارد، مدیر عامل آن احتمالاً کمال بامداد است. در سال ۸۷ تولید این مرکز رشد چشمگیری داشته است اما باین وجود در این سال شاهد تاخیر در پرداخت دستمزد و حقوق کارگران بوده ایم و به همین دلیل کارگران چندین بار دست به اعتراض زدند. این شرکت در سال ۷۳ بیش از ۶۰۰ کارگر داشت. این شرکت همچنان زیر مجموعه شرکت سرمایه گذاری سبز است. در این شرکت فعالین کارگری چپ در سالهای گذشته ظهور کرده اند.

واخدهای این شرکت در جاده مهاباد - ارومیه کیلومتر ۱۵ و ۲۰ و جاده مهاباد - میاندوآب کیلومتر ۲۳ و دفتر مرکزی در داخل شهر است.

شرکت سردخانه زمزم مهاباد در حدود ۳۰ نفر است.

شرکت مجتمع دامداری و کشتارگاه صنعتی مهاباد، تعداد کارکنان حدود ۱۲۰ نفر

شرکت مجتمع هما مرغ مهاباد

کارکنان آن در حدود ۱۲۰ نفر است.

شرکت کارخانه خوراک دام و طیور و آبزیان میلاد مهاباد
تعداد کارکنان ۶۰ نفر

مجتمع (شرکت آرمان ماکیان و شرکت کیوان مرغ پر طلای مهاباد)

محصولات مجتمع کیوان مرغ:

به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر مهاباد شرکتهای رضا سواری جمعا ۸۰۰ نفر کارگر دارد. اما تصور میشود تعداد

کارگران و کارکنان بخش اداری بیشتر از این تعداد باشد. دفتر مرکزی شرکت در داخل شهر است.

بیشتر واحدهای این مجتمع در جاده مهاباد - میاندوآب و یک واحد در کیلومتر ۳۰ جاده مهاباد - ارومیه واقع شده است.

سایر شرکتهای مهاباد:

تمامی این شرکتهای بغیر از کارخانجات آسفالت متعلق به بخش خصوصی بوده و در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر کارگر دارند.

شهرداری و شهرداریهای نواحی ۳ گانه:

که در حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر کارگر دارند و در بخش خدمات شهری (فضای سبز، جمع آوری زباله) مشغول بکار هستند. همچنین حدود ۲۰ نفر استاد کار و کارگر در تعمیرگاه ماشین آلات شهرداری کار میکنند. رانندگان ماشین آلات سبک و سنگین، اتوبوسهای شرکت واحد در حدود ۷۰ نفر و پلیس سد معبر شهرداری ۲۰ نفر

کارگاههای تولیدی، خدماتی، فنی نظیر تعمیرگاهها - تراشکاریها - تولیدیهای پوشاک و ... در حدود ۲۰۰۰ مکان

کارگران فصلی کوره پزخانه ها که به شهرهای دیگر میروند و تعداد کثیری را شامل میشود و آمار آن دست نیافتنی است و همچنین کارگران ساختمانی کارگران شاغل در طرحهای پتروشیمی و راه آهن که در حال احداث و انجام کارهای ساختمانی هستند بالغ بر ۲۰۰ نفر کارگر مشغول کار هستند. پتروشیمی در صورت اتمام طرح (سال ۹۲) در حدود ۱۸۰۰۰ نفر کارگر و کارمند خواهد داشت.

وضعیت بخش معدن در شهرستان مهاباد:

در سال ۱۳۸۰ تعداد معادن فعال این شهرستان ۱۱ واحد می باشد که عمده ترین ماده معدنی استخراج شده از این معادن شامل سنگ آهک، تراورتن، سینیست و گرانیت و باریت و مرمر و سنگ لاشه می باشد.

تعداد شرکتهای فعال در صنعت معدن بسیار بیشتر از این تعداد است و حداقل ۳ برابر تعداد فوق می باشد.

مالکیت اکثریت قریب به اتفاق این معادن خصوصی بوده و تنها یک مالکیت یک معدن به شکل تعاونی است. صدها کارگر در این بخش مشغول کار هستند اما دلیل پراکندگی جغرافیایی بدست آوردن آمار کارگران شاعل در این بخش امری ناممکن است.

بیشتر معادن در جاده فرعی روستای آفان ۳۵ (کیلومتری مهاباد) به پیرانشهر هستند.

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!



مردم آزادیخواه کردستان!
گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند

زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.



ادامه ص ۳

شفافیت بخشیدن به این واقعیت اجتماعی، دادن افق روشن تر به مبارزات گسترده طبقه کارگر، متحزب شدن و تامین یک رهبری روشن کمونیستی اهم وظایف کمونیستی ما میباشد. سازمان دادن جبهه وسیعی از مبارزه طبقه کارگر علیه ماهیت، سیاست و وجوه مختلف فرهنگ و سیاست و داده های بورژوازی کرد و احزاب و دولت طبقه استثمارگر و سر انجام فراهم کردن ملزومات برای کسب قدرت سیاسی اساس ماهیت و خصلت سیاسی و استراتژی کمونیستی و مصافهای طبقه کارگر پیشرو و جنبش کمونیستی ما را تشکیل میدهد. در کردستان زمینه برای سازمان دادن یک مبارزه رادیکال و اجتماعی علیه کارفرماها، فرهنگ و سنن عقب افتاده ناسیونالیستی و قومی و علیه جمهوری اسلامی به عنوان دولت بورژوازی ایران، بسیار مساعد است. در راس آن سازماندهی مستقیم تشکل و اعتراض توده ای طبقه کارگر امر فوری و حیاتی ما است.

(تلخیص از اکتبر)

اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود
آدرس ایمیل تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:
mozafar.mohamadi@gmail.com
سر دبیر:
مظفر محمدی
سایت اکتبر:
www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان
عبدالله دارابی:
darabiabe@yahoo.com
روابط عمومی کمیته کردستان
سالار کرداری
Rawabet.omumi.k@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳

زنده باد سوسیالیسم